

مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری
سال بیست و ششم، شماره ۴۰، ۱۳۸۸، صفحات ۱۳-۴۰، تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۳/۱۰، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۳/۲۵

جنگ علیه حقوق انسان‌ها: نقض تعهد رعایت حقوق بشر در جنگ ۲۲ روزه غزه

هاله حسینی اکبرنژاد*

چکیده

در این مقاله جنگ ۲۲ روزه غزه از منظر نظام حقوق بشر تحلیل شده است. حقوق بشر در طول مخاصمات مسلحانه به‌عنوان مکمل موازین حقوق بشردوستانه قابل اجرا است. حال از آن‌جا که رژیم صهیونیستی معاهدات حقوق بشری متعددی را تصویب کرده، اقدامات وی در جنگ اخیر غزه مشمول تعهدات آن براساس معاهدات مزبور و قواعد عرفی بین‌المللی است. حقوق بشر، شامل حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سیاسی است و بنابر گزارش‌های برخی نهادهای حقوق بشری، موازین متعددی از آن در جریان جنگ اخیر غزه توسط رژیم اشغالگر نقض شده است. در این وضعیت، انجام تحقیقات فوری، جامع، مستقل و بی‌طرفانه توسط جامعه بین‌المللی درباره نقض‌های شدید حقوق بشر و حقوق بشردوستانه ارتکاب یافته در این جنگ ضروری به نظر می‌رسد و تعقیب کیفری برخی نیروهای رژیم صهیونیستی که مرتکب نقض‌های مزبور شده‌اند از سوی جامعه بین‌المللی و کشورها به‌منظور احقاق حق قربانیان غزه و مقابله با بی‌کیفری از اهمیت بالایی برخوردار است.

واژگان کلیدی: نقض حقوق بشر، جبران خسارت، قربانیان، تحقیقات بین‌المللی، مسئولیت کیفری

*. کارشناس ارشد حقوق بشر halehhosseini@yahoo.com

مقدمه

یکی از مشخصه‌های بارز نظام حقوق بین‌الملل به‌ویژه در حوزه حقوق بشر این است که در طول قرن بیستم، تعاریف، مفاهیم و واژه‌ها در این حوزه به شکل بی‌سابقه و به‌طور فزاینده گسترده‌تر و دقیق‌تر شده و این جریان همچنان در حال طی شدن است. تعاریف جامعه بین‌المللی از حقوق و آزادی‌های فردی و تعاریف مربوط به نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و نیز اهرمها و ابزار بازدارنده آن و نیز شاخصه‌های لازم برای تأمین امنیت فرد و گروه در نظامهای ملی و نظام بین‌المللی آمرانه‌تر شده و نتیجه اینکه بسیاری از اقداماتی که در قرون قبل و حتی اواخر قرن بیستم در زمره نقض حقوق بشر نبوده، اکنون براساس مفاهیم پذیرفته شده، نقض صریح و فاحش حقوق بشر تلقی می‌شود و تحت عنوان جنایات بین‌المللی قابل تعقیب کیفری است.^۱

با وجود این، هنوز هم شاهد فجایع دردناکی نظیر جنگ ۲۲ روزه غزه هستیم. البته در سال‌های اخیر با افزایش مخاصمات مسلحانه (بین‌المللی و غیر بین‌المللی)، ایده‌ی مقابله با این‌گونه رفتارهای خشونت‌بار و حمایت از حقوق بشر در همه حال تقویت شده است.

نقض گسترده و جدی حقوق بشر - که هم در زمان صلح و هم در زمان جنگ برای دولت‌ها لازم‌الاتباع است - از جمله نقض حق حیات، ممنوعیت شکنجه، حق سلامت و دسترسی به مراقبت‌های پزشکی و درمانی، حق مسکن و ممنوعیت آوارگی اجباری، حق دسترسی به غذای کافی، حق دسترسی به آب سالم و غیره در قبال غیرنظامیان در مخاصمه اخیر غزه از جمله مهم‌ترین حق‌های نقض شده بشر است، به‌طوری که اقدامات نهادهای حقوق بشری در خصوص تأکید بر تعهدات رژیم صهیونیستی مبنی بر جبران خسارت قربانیان خصوصاً از طریق تعقیب و محاکمه مرتکبین نقض‌های جدی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را به‌دنبال داشته است. از جمله این نهادها می‌توان به عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر اشاره کرد که با انجام تحقیقات موشکافانه، دقیق و مبتنی بر مشاهدات و گزارش‌های عینی گروه‌های تحقیق خود، در راستای انعکاس حقایق جنگ اخیر غزه مطابق با موازین حقوق بشر نقش بسزایی داشته‌اند که در این مقاله سعی شده به آنها پرداخته شود.

گفتار اول) قابلیت اعمال حقوق بشر در جنگ غزه

اقدامات رژیم صهیونیستی در سرزمین فلسطین مشمول تعهدات آن رژیم، مطابق قواعد عرفی حقوق بین‌الملل و نیز معاهدات بین‌المللی حقوق بشری است که رژیم صهیونیستی عضو آنها است. برخی معاهداتی که رژیم صهیونیستی در آنها عضویت دارد عبارتند از: میثاق بین‌المللی

۱. رک. اعلایی، مصطفی، «دیوان کیفری بین‌المللی، حقوق بشر و بررسی مسئله الحاق»، از: اسحاق آل حبیب، «دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۸، ص ۳۹۵-۳۹۸.

حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون بین‌المللی محو کلیه اشکال تبعیض نژادی، کنوانسیون ملل متحد درباره محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و کنوانسیون حقوق کودک.

در تمامی انواع مخاصمات مسلحانه به‌منظور ممانعت از تعرض به حقوق بنیادین انسان‌ها، مؤثرترین اقدام همان تقویت حمایت از حقوق بشر است، و این تنها در صورتی امکان دارد که دولت‌ها در هر شرایط و اوضاع و احوالی خود را ملزم به رعایت حداقل‌هایی در قبال افراد تحت صلاحیت خود بدانند.^۲ بنابراین، رابطه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، در راستای رسیدن به هدف اولیه آنها، که حمایت از انسان‌ها است، به جای رقابت یا ایفای نقش‌های متضاد، این‌گونه باید ترسیم گردد که در کنار هم و در جهت تکمیل یکدیگر اعمال شوند تا از حقوق بنیادین افراد حمایت مؤثرتری به عمل آید.^۳ در رویه نهادهای نظارتی در زمینه حمایت از حقوق بشر نیز رابطه تکمیلی میان این دو نظام حقوقی مورد توجه و تصریح قرار گرفته است. کمیته حقوق بشر در نظریه تفسیری شماره ۳۱ ضمن تصریح بر رابطه تکمیلی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، اجرای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را در شرایط مخاصمات مسلحانه که قواعد حقوق بشردوستانه بر آن حاکم است، مورد تأکید قرار داده و بیان داشته که در مورد برخی از حقوق مندرج در میثاق که مرتبط با قواعد خاصی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه است، هر دو دسته از قواعد حقوقی به‌صورت مکمل یکدیگر اعمال می‌شوند. همچنین کمیته حقوق بشر، دولت‌های عضو را متعهد به تضمین رعایت میثاق در قبال کلیه افراد تحت صلاحیت و یا تحت کنترل مؤثر خود دانسته است حتی اگر در خارج از قلمرو سرزمینشان باشند.^۴ این به معنای آن است که تعهدات رژیم صهیونیستی مطابق حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی تحت کنترل آن لازم‌الاجرا است. میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز در رابطه با صلاحیت سرزمینی، محدودیت‌های صریحی مقرر کرده و بر این اساس، رژیم اشغالگر متعهد به رعایت مفاد آن در قبال مردم فلسطین است، زیرا مطابق ماده ۴ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کشورهای عضو نمی‌توانند حقوق مزبور را تابع محدودیت‌هایی کنند، جز «به‌موجب قانون و آن هم فقط تا حدودی که با ماهیت این حقوق سازگار بوده و منظور آن منحصرأ توسعه رفاه عامه در یک جامعه دموکراتیک باشد». بنا بر نظر کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی،

۲. رستم زاد، حسینعلی، «جامعه بین‌المللی و تعهدات عام‌الشمول بین‌المللی [Erga Omnes]»، مجله حقوقی، شماره ۳۳، ۱۳۸۴، ص ۱۵۶.

3. Heintz, Hans- Joachim, "On the Relationship between Human Rights Law Protection and International Humanitarian Law", International Review of the Red Cross, Vol. 86, No. 856, 2004, pp. 795-796.

4. Human Rights Committee, General Comment no. 31: The Nature of the General Legal Obligation Imposed on States Parties to the Covenant, paras.10-11.

«محدودیت‌ها باید متناسب باشد و در جایی که گزینه‌های مختلفی در دسترس است باید گزینه‌ای انتخاب شود که واجد کم‌ترین محدودیت است».^۵

دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی خود در سال ۲۰۰۴ در خصوص ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین تصریح کرده که دولت‌ها در عملیات نظامی و شبه‌نظامی که در خاک خود یا در خارج از قلمرو سرزمینی‌شان انجام می‌دهند اساساً باید به تعهدات خود برطبق حقوق بین‌الملل عرفی پایبند باشند. گفتنی است که اصول مندرج در منشور ملل متحد تا حدی انعکاس‌دهنده حقوق بین‌الملل عرفی است. دیوان تأکید کرده که وقوع مخاصمات به‌هیچ‌وجه حمایت‌های مندرج در میثاق حقوق مدنی-سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تعهدات حقوق بشری دولت‌ها برطبق آنها را منتفی نمی‌کند و در این خصوص به ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی استناد شده که به‌موجب آن، تحت هیچ شرایطی از جمله وقوع مخاصمه یا وضعیت اضطراری، دولت‌ها مجاز به تعلیق برخی از حقوق بنیادین بشر نیستند. در این قضیه، رژیم صهیونیستی به بهانه‌های مختلف از ایفای تعهدات بین‌المللی خود برطبق حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در سرزمین‌های اشغالی فلسطین استنکاف کرده است. این رژیم مدعی بود که میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که به امضای رژیم اشغالگر نیز رسیده است در سرزمین‌های اشغالی قابل اعمال نمی‌باشد و رژیم صهیونیستی خود را ملزم به رعایت هیچ‌یک از میثاق‌ها در سرزمین‌های اشغالی فلسطین نمی‌داند، زیرا هدف اصلی این معاهدات حقوق بشری را حمایت از افراد در برابر دولت متبوعشان، آن هم در زمان صلح قلمداد می‌کند. دیوان در این قضیه در رابطه با ماهیت قواعد حقوق بشری تصریح می‌کند که حمایت‌های مقرر در میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر در زمان جنگ متوقف نمی‌شود و دولت‌ها باید حقوق افراد انسانی را هم در زمان صلح و هم در زمان جنگ رعایت کنند و بر همین مبنا اقدام رژیم اشغالگر به ساخت دیوار حائل را در سرزمین‌های اشغالی را نقض جدی حقوق بشر افراد ساکن در آن منطقه از جمله حق انتخاب اقامتگاه، حق تردد آزادانه و دیگر حقوق اعلام کرده است.^۶

بنابراین، حقوق بشر در جریان مخاصمات مسلحانه، تعهداتی را به طرفین مخاصمه تحمیل می‌کند که به‌موجب آن می‌توان رژیم صهیونیستی را به دلیل نقض گسترده و شدید حقوق انسانی افراد در جنگ ۲۲ روزه غزه مسئول دانست.

5. Committee on Economic, Social and Cultural Rights, General Comment No. 14: The right to the highest attainable standard of health (Article 12), para. 29.

6. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestine Territory, Advisory Opinion of 9 July 2004, ICJ reports 2004, Paras. 102-113.

گفتار دوم) نمونه‌هایی از حقوق بشری نقض شده بشر در جنگ غزه

از آنجا که در زمان مخاصمات، هم حقوق بشر و هم حقوق بشردوستانه قابل اعمال است لذا یک عمل واحد می‌تواند در هر دو نظام حقوقی، نقض یا تخلف محسوب گردد.^۷ برخی از مهم‌ترین موازین حقوق بشر که در جنگ اخیر غزه نقض گردیده در ذیل به‌اختصار آمده است:

مبحث اول) حق حیات

حق حیات از جمله حقوق غیر قابل تعلیق است که در زمان جنگ و صلح باید محترم شمرده شود. به‌موجب ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی: «حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است. این حق باید به‌موجب قانون حمایت بشود و هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه از زندگی محروم کرد». کمیته حقوق بشر در تفسیر عام شماره ۱۰ ارتباط نزدیکی میان این حق و ممنوعیت تبلیغ برای جنگ (ماده ۲۰ میثاق) برقرار کرده است؛ زیرا جنگ را به‌عنوان یکی از عوامل اصلی نقض حیات انسان‌ها می‌داند. همچنین کمیته تصریح می‌کند که دولت‌ها وظیفه مهمی در جلوگیری از جنگ، نسل‌کشی و سایر اقدامات خشونت بار ناقض حیات بر عهده دارند.^۸ با وجود این در جریان مخاصمات مسلحانه، از جمله معیارهایی که نقض حق حیات افراد انسانی براساس آن سنجیده می‌شود حقوق بشردوستانه قابل اعمال در آن جنگ است.^۹ در جنگ اخیر غزه، وجود بیش از هزار و چهارصد کشته توسط رژیم اشغالگر که اکثر آنها را غیرنظامیان تشکیل داده‌اند، حاکی از نقض حق حیات انسان‌ها در سطحی گسترده است که باید مسئولیت و پیگرد قانونی مرتکبین و آمران را به همراه داشته باشد.

مسئله دیگری که از سوی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، تهدیدی علیه حیات مردم غزه شمرده شده، وجود «مهمات منفجر نشده» در مناطقی است که حملات مکرر به آن‌ها انجام گرفته است. به این ترتیب، این مناطق باید به‌سرعت بازرسی و تحت اقدام فوری قرار گیرند و تا زمانی که چنین اقدامی انجام نگیرد این مناطق خطر بزرگی برای ساکنین به شمار می‌آیند.^{۱۰}

7. Amnesty International, the Conflict in Gaza, January 2009, pp.22-23, available at: [http:// www.amnesty.org/en/Gaza-crisis](http://www.amnesty.org/en/Gaza-crisis).

8. Human Rights Committee, General Comment No.6: article 6(Right to life), 1982, paras.1-2.

9. Amnesty International ,The Conflict in Gaza, January 2009, p.23.

10. ICRC, GAZA: hope emerging despite urgent needs and uncertainty about future, 25 January 2009, available at: <http://www.icrc.org/web/eng/siteeng.nsf/htmlall/palestine-update-250109?opendocument>.

مبحث دوم) حق برخورداری از بهداشت جسمی و روحی

در طول جنگ اخیر غزه، امکانات پزشکی و بهداشتی با محدودیت‌های بسیار مواجه بود. تعداد زیادی از افراد از حملات مستقیم رژیم صهیونیستی دچار صدمه و جراحات مهم شدند. برخی داروها از جمله داروهای سرطان و انواع معینی از فیلم‌های اشعه X (برای رادیولوژی) هنوز با کمبود مواجه هستند و تجهیزات حیاتی موجود از کار افتاده است.

ذخایر نیروی برق در شبکه، کافی به نظر نمی‌رسد که این امر تأثیر مستقیم و مداوم بر سلامت مردم دارد.^{۱۱} همه این اقدامات تهدیدکننده بهداشت جسمی و روحی افراد در حالی انجام پذیرفته که رژیم صهیونیستی به موجب ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متعهد است: «حق هر کس را در تمتع از بهترین حالت سلامت جسمی و روحی ممکن الحصول به رسمیت بشناسد».

مسئله مهم دیگری که عفو بین‌الملل تحقق آن را برای تأمین بهداشت و بهبود مجروحان فلسطینی ضروری می‌داند الزام مقامات رژیم صهیونیستی به افشای سلاح‌ها و مهماتی است که نیروهای آنها در طول سه هفته جنگ در غزه به کار برده‌اند تا پزشکان و سایر پرسنل پزشکی بتوانند در مداوای قربانیان اقدامات مؤثر انجام دهند. طبق اظهارات دونالد راورا،^{۱۲} رئیس گروه تحقیق عفو بین‌الملل در غزه: «ما اکنون ادله و مدارک غیرقابل انکاری از کاربرد فسفر سفید در غزه داریم که ابتدا توسط رژیم صهیونیستی انکار گردید و به این ترتیب، پزشکانی که اولین مجروحان را مداوا کردند، نمی‌دانستند چه عاملی موجب این جراحات شده است». همچنین وی بیان کرده: «مقامات رژیم صهیونیستی مکرر گفته‌اند که اقدامات نظامی آنها علیه حماس بوده نه علیه مردم غزه که در این صورت برای استتکاف از ارائه اطلاعات حیاتی مربوط به درمان مؤثر مردم غیر نظامی مجروح در حملات رژیم اشغالگر، عذری وجود نداشته و عدم همکاری رژیم صهیونیستی موجب مرگ بی‌دلیل و درد و رنج غیرضروری عده‌ای از مردم گردید. به این ترتیب مقامات رژیم صهیونیستی باید با افشای سلاح‌ها و مهمات به کار رفته در غزه و ارائه سایر اطلاعات مرتبط که ممکن است به گروه‌های پزشکی کمک کند به وظیفه خود مبنی بر تضمین درمان فوری و کافی مجروحین عمل کنند»؛ زیرا طبق گفته پزشکان، در صورت عدم اطمینان در مورد ماهیت مهمات به کار رفته که منجر به ورود جراحات شده درمان آن دشوار خواهد بود و در این صورت دسترسی به چنین اطلاعاتی برای حفظ حیات مجروحان لازم است.^{۱۳}

11. ICRC, "GAZA: The struggle to pick up the pieces" 26 February 2009. Available at: <http://www.icrc.org/web/eng/siteeng.nsf/htmlall/palestine-update-260209?opendocument>.

12. Donatella Rovera

13. Amnesty International, "Israel must disclose weapons used in GAZA", 26 January 2009. available at: <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/pages/crisis-in-gaza-background>.

همچنین اقداماتی که مستقیم یا غیرمستقیم از طریق تخریب زیرساخت‌های لازم جهت بهره‌مندی از حق سلامت جسمی و روحی، در نهایت منجر به نقض این حقوق گردد، مانند تخریب بیمارستان‌ها یا هدف قرار دادن آمبولانس‌ها و پرسنل پزشکی از جمله تخلفاتی است که مسئولیت رژیم صهیونیستی به‌عنوان عضوی از اعضای میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به‌همراه دارد.^{۱۴}

مبحث سوم) ممنوعیت شکنجه

در نظام حقوق بین‌الملل بشر، ممنوعیت شکنجه از جمله مهم‌ترین موضوعات است و ماده ۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌کند: «هیچکس را نمی‌توان مورد آزار، شکنجه یا مجازات‌ها، رفتارهای ظالمانه، خلاف انسانی و یا ترذیلی قرار داد».

ماهیت و آثار شکنجه سبب شده که ممنوعیت آن تحت هر شرایطی از جمله مخاصمات مسلحانه و وضعیت‌های اضطراری نیز ملغی شدنی نباشد و مطابق ماده ۴ میثاق حقوق مدنی- سیاسی در زمره حقوق غیرقابل تعلیق به شمار رود. کمیته عمومی ضد شکنجه در رژیم صهیونیستی^{۱۵} گزارش‌های متعددی از ارتکاب انواع شکنجه روانی و جسمی در قبال مردم فلسطین ارائه کرده است. در این خصوص برخی سازمان‌های غیردولتی از جمله ملل متحد و شورای حقوق بشر، الزام رژیم صهیونیستی به اقدامات زیر را خواستار شده‌اند:

۱. امضا و تصویب پروتکل اختیاری کنوانسیون منع شکنجه.
 ۲. احترام به تعهدات ناشی از عضویت در کنوانسیون منع شکنجه و وارد کردن مواد کنوانسیون در قوانین داخلی.
 ۳. متوقف کردن هر چه سریع‌تر ارتکاب شکنجه و دیگر رفتارهای خشن و غیرانسانی علیه مردم فلسطین.
 ۴. اجرای کنوانسیون‌های ملل متحد، قطعنامه‌ها و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو خصوصاً در ارتباط با رفتار با اسرای جنگی.^{۱۶}
- علاوه بر موارد فوق، تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکبین شکنجه و سایر رفتارهای غیرانسانی نیز از عوامل بازدارنده در ارتکاب این نقض است.

14. Amnesty International, The Conflict in Gaza, January 2009, p.23.

15. Public Committee Against torture in Israel (PCATI).

16. Promotion and Protection of All Human Rights, Civil, Political, Economic, Social and Cultural Rights, Including the Right to Development. A/HRC/10/NGO/16,23 February 2009.

مبحث چهارم) حق مسکن و اخراج اجباری

در رابطه با حق مسکن، اقدامات معینی در جنگ - خصوصاً تخریب گسترده خانه‌ها- ممکن است اخراج اجباری غیرقانونی و در نتیجه نقض ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محسوب گردد.^{۱۷} کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیان کرده: «اخراج اجباری به صورت جابه‌جایی خلاف میل افراد، خانواده‌ها یا گروه‌ها به صورت دائم یا موقت از خانه یا سرزمین محل سکونت آن‌ها است، بدون اینکه دسترسی به اشکال مقتضی حمایت‌های قانونی و دیگر حمایتها مد نظر قرار گیرد».^{۱۸} کمیته مزبور همچنین اخراج‌های ناشی از مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، درگیری‌های داخلی و خشونت‌های فرقه‌ای یا نژادی را به‌عنوان نقض میثاق شمرده است.^{۱۹}

مطابق نتایج ارزیابی‌های کمیته بین‌المللی و جمعیت هلال احمر فلسطین در مناطق مورد حمله در غزه، جنگ موجب تخریب کامل بیش از دو هزار و هشتصد خانه مسکونی و تخریب جزئی حدود هزار و نهصد خانه و نیز بی‌خانمان شدن ده‌ها هزار نفر گردیده و طبق گزارشی در ۲۶ فوریه ۲۰۰۹، صلیب سرخ به حدود هفت میلیون و دو هزار و پانصد نفر برای پوشاندن پنجره‌های شکسته و حفره‌های دیوارها محافظ نایلونی و نیز وسایل ضروری نظیر پتو داده است.^{۲۰}

در جبالیاء، یکی از مناطق غزه، گزارش شده که بین یک تا دو هزار خانواده در میان خرابه‌های منازل مسکونی خود زندگی می‌کنند، بدون اینکه به آب، برق یا امکانات کافی بهداشتی دسترسی داشته باشند. به این افراد پیشنهاد شده که به پناهگاه‌های تحت نظارت سازمان ملل نقل مکان کنند، اما آنها مایلند در خانه‌های خود بمانند.

الن ورلویتن^{۲۱} جانشین رئیس صلیب سرخ در غزه اظهار داشته: «کمک‌های ضروری نظیر محافظ‌های نایلونی، برزنت، پتو و جعبه کمک‌های اولیه می‌تواند زندگی آنها را در کوتاه‌مدت میسر کند، ولی برای ساخت و ساز دائمی یا حداقل موقتی خانه‌ها مصالح ساختمانی لازم است».^{۲۲}

17. Amnesty International, The Conflict in Gaza, January 2009, p. 23.

18. Committee on Economic, Social and Cultural Rights, General Comment No. 7, Forced Evictions, and the right to adequate housing (Sixteenth session, 1997) UNDoc.E/ 1998/ 22, annex IV at 113 (1997), para. 4.

19. *Ibid.*, para. 7.

20. ICRC, GAZA: The Struggle to Pick up the Pieces, 26 February 2009, p.1.

21. Ellen Verluyten

22. ICRC, GAZA: hope emerging despite urgent needs and uncertainty about future, 25 January 2009, pp.1-2.

آوارگی اجباری، سختی معیشت و عدم دسترسی به مایحتاج ضروری، اثر مستقیمی در عدم برخورداری مردم غیرنظامی فلسطین از حقوق اساسی داشته است. با ادامه محاصره دریایی نوار غزه توسط رژیم اشغالگر و ممانعت از ورود کمک‌های بشردوستانه و کالاهای تجاری که مستلزم سکونت و بازسازی منازل مردم است، وضعیت همچنان رو به وخامت است. در رابطه با اقدامات رژیم اشغالگر چنین مطرح شده که اعمال کنترل بر بیش‌ترین مقدار سرزمین با کم‌ترین سکنته فلسطینی، هدف نهایی رژیم صهیونیستی است و امنیت جمعی یا دلایل نظامی، هیچیک آوارگی اجباری جمعیت فلسطینی را توجیه نمی‌کند. آواره کردن خودسرانه مردم، صرفنظر از انگیزه مرتکبان، برطبق حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر ممنوع است. برخی از شیوه‌هایی که تاکنون نیروهای صهیونیستی برای نیل به اهداف غیرقانونی مذکور استفاده کرده‌اند عبارتند از: تخریب خانه‌ها، مصادره زمین، فاصله افکندن و ساخت دیوار حائل، سیاست انتقال کامل و اعمال خشونت و آزار و اذیت توسط ساکنان یهودی^{۲۳} که بی‌تردید مسئولیت مرتکبین را در پی خواهد داشت و در شرایط حاضر، یکی از اقداماتی که باید هر چه سریع‌تر در غزه انجام گیرد آغاز عملیات بازسازی با لحاظ کردن اولویت برای ساخت منازل مسکونی، خصوصاً برای افراد بی‌خانمان است و رژیم اشغالگر در قبال بازسازی غزه مسئولیت کامل دارد.^{۲۴}

مبحث پنجم) حق دسترسی به آب

آب یک منبع طبیعی محدود و یک کالای عمومی برای زندگی و سلامت است. حق بشری آب، شامل حق هر کس به آب کافی، سالم و در دسترس برای کاربردهای شخصی و محلی است که برای ممانعت از مرگ ناشی از خشکسالی، کاهش بیماری‌ها و مصارف خانگی، نظیر پخت‌وپز و نظافت ضروری است. بند اول ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تعدادی از موارد مربوط به حق داشتن سطح زندگی کافی را برشمرده که شامل خوراک، پوشاک و مسکن کافی می‌شود. از متن ماده برمی‌آید که این حق منحصر در موارد مذکور نیست و حق آب نیز قطعاً یکی از موارد مهمی است که برای برخورداری از سطح زندگی کافی لازم است. این امر توسط کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر عام شماره ۱۵ به تفصیل مطرح شده است.^{۲۵}

23. Human Rights Situation in Palestine and Other Occupied Arab Territories, A/HRC/10/NGO/11,23 February 2009, pp. 2-3.

24. *Ibid.*, A/HRC/ 10/NGO/76, 26 February 2009, p.2.

25. Committee on Economic, Social and Cultural Rights, General Comment No. 15: The Right to Water, UN Doc. E/C. 12/ 2002/11 (2002).

تخریب شبکه آب و فاضلاب در نوار غزه از جمله موارد نقض جدی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه شمرده شده است. با توجه به وقوع محاصره هجده هفته‌ای نوار غزه و ممانعت رژیم صهیونیستی از ورود کالاهای ضروری جهت ساخت و تعمیر تجهیزات مربوط به آب و فاضلاب، نقض این حق بشری در این رابطه همچنان ادامه دارد. بنا بر گزارش برخی مقامات ذیصلاح غزه در امور آب، از ۹ فوریه ۲۰۰۹ تعداد پنجاه هزار نفر در نوار غزه به‌طور کامل از دسترسی به آب محروم بوده‌اند و صدوپنجاه تا دویست هزار نفر نیز به‌طور متناوب از این حق برخوردار بوده‌اند، به‌طوری که هر پنج تا شش روز، خدمت آب‌رسانی به آن‌ها انجام گرفته است. هدف قراردادن تأسیسات آب و فاضلاب در نوار غزه از سوی رژیم اشغالگر سبب شد که در بیت حانون و بیت لاهیا آب‌های آلوده در معابر و مناطق مسکونی جاری گردد و این امر بی‌تردید تهدیدی جدی علیه سلامتی افراد به شمار می‌رود. مقامات صهیونیستی حتی پس از پایان مخاصمه نیز به نهادهای حقوق بشردوستانه اجازه انجام اقدامات ضروری جهت تعمیر و راه‌اندازی تأسیسات مربوط به آب و فاضلاب را در نوار غزه ندادند و همین امر سبب شد که مردم غیرنظامی حتی پس از جنگ نیز در سختی و مشقت به سر برند؛ در صورتی که رژیم صهیونیستی به دلیل اعمال کنترل مؤثر بر سرزمین غزه، در قبال تأمین رفاه جمعیت غیرنظامی ساکن در این منطقه دارای مسئولیت بوده، متعهد است که به تعهدات خود برطبق حقوق بین‌الملل بشر و کنوانسیون چهارم ژنو در خصوص حمایت از غیرنظامیان عمل کند. آنچه مسلم است اینکه حملات رژیم صهیونیستی، غیرنظامیان را از حق دسترسی به آب محروم کرد و بعد از جنگ نیز رژیم اشغالگر اقدام مؤثری جهت جبران اقدامات خود به عمل نیاورد. محروم کردن غیرنظامیان از تجهیزات و امکاناتی که برای بقای آنها ضروری است از این طریق یا از طریق ممانعت از دریافت کمک‌های بشردوستانه، جنایت جنگی محسوب می‌شود و این امر در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است.^{۲۶}

مبحث ششم) حق عبور و مرور آزادانه

به‌رغم آنکه رژیم صهیونیستی مکرر ادعا می‌کند که از اوت ۲۰۰۵ نوار غزه دیگر سرزمین تحت اشغال نیست، رژیم اشغالگر در نوار غزه هنوز یک نیروی اشغالگر است. در سال ۲۰۰۵ رژیم صهیونیستی در اقدامی که «عقب‌نشینی یا آتش‌بس» در غزه نامید نیروها و تجهیزات خود را جابه‌جا کرد. با وجود این، آنها همچنان کنترل کامل قلمرو هوایی و آب‌های سرزمینی غزه را در اختیار دارند و از هرگونه عبور و مرور افراد و نقل و انتقال کالا به داخل یا خارج از غزه از طریق

26. Human Rights Situation in Palestine and Other Occupied Arab Territories. A/HRC/10/NGO/91, 27 February 2009.

هوایی یا دریایی ممانعت به عمل می‌آورند و همین امر سبب شده تا در طول این چند سال، مردم غزه در وضعیت نامساعد زندگی به سر برده، از دسترسی به کالاهای ضروری محروم شوند.^{۲۷} همچنین اشغالگران بر کنترل مرز غزه و مصر اعمال نفوذ می‌کنند. مقامات آن بارها تکرار کرده‌اند که این مرز فقط در چارچوب موافقتنامه مشترک میان نیروهای فلسطینی و مصر گشوده خواهد شد.^{۲۸}

این اقدامات صهیونیست‌ها در حالی انجام می‌گیرد که مطابق ماده ۱۲ میثاق حقوق مدنی-سیاسی «هرکس قانوناً در سرزمین دولتی مقیم باشد حق عبور و مرور آزادانه و انتخاب آزادانه مسکن خود را در آنجا خواهد داشت. هر کس آزاد است هر کشور و از جمله کشور خود را ترک کند». به این ترتیب، هرگونه جابه‌جایی، نقل و انتقال و برقراری ارتباط از کرانهٔ باختری به غزه باید آزاد شود.^{۲۹}

مبحث هفتم) حق آزادی بیان

مطابق ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی: «هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل، بدون توجه به سرحدات، خواه شفاهی یا به‌صورت نوشته یا چاپی یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می‌باشد».

در جنگ اخیر غزه، گزارشگران و محل اسکان کارکنان رسانه و خبرنگاران در غزه هدف حملات رژیم صهیونیستی قرار گرفتند. چهار خبرنگار فلسطینی نیز در طول جنگ کشته شدند. این اقدامات رژیم صهیونیستی، نقض آشکار حقوق بشر و آزادی بیان است. همچنین مجبور کردن خبرنگاران به خروج از شهر غزه با هدف محروم کردن جهان از مشاهده حقایق، نقض جدی حقوق بشر در غزه بوده است.^{۳۰}

به این ترتیب، حق آزادی بیان و حق انتقاد در خصوص عملکرد نیروهای درگیر در جنگ برای همه مردم فلسطین باید محترم شمرده شود و کلیه افراد مسئول باید پاسخگو باشند.

27. Amnesty International, The Conflict in Gaza, January 2009, p.7. Human Rights Situation in Palestine and Other Occupied Arab Territories, A/HRC/10/NGO/101, 27 February 2009, p.3.

28. مطابق گزارش اداره ملل متحد در امور همکاری‌های بشردوستانه (OCHA) که بر اجرای موافقتنامه جابه‌جایی و دسترسی «(AMA) Agreement on Movement and Access» نظارت می‌کند، گذرگاه رفح از ۷ ژوئن ۲۰۰۷ بسته است.

29. Human Rights Situation in Palestine and Other Occupied Arab Territories, A/HRC/10/NGO/76, 26 February 2009, p.3.

30. *Ibid.*

همچنین رسانه‌ها باید بتوانند به‌طور بی‌طرفانه و به دور از هرگونه اعمال فشار به بیان اخبار مربوط به غزه بپردازند.^{۳۱}

مبحث هشتم) حق کار و معاش

ماده ۶ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای عضو را متعهد می‌کند: «حق کار کردن را که شامل حق هر کس است به اینکه فرصت یابد به وسیله و کاری که آزادانه انتخاب یا می‌پذیرد معاش خود را تأمین کند به رسمیت شناسد و اقدامات مقتضی برای حفظ این حق را معمول دارند.» مردم فلسطین در جریان جنگ اخیر غزه بیش از گذشته از حیث حق کار و معاش در مضیقه قرار گرفته‌اند. آمار فقر قبل از این جنگ، هفتاد درصد تخمین زده شده بود که به این ترتیب، تعداد زیادی از خانواده‌ها در تهیه یک برنامه غذایی لازم برای سلامتی مشکل داشتند. با وجود این، در نتیجه مخاصمه اخیر، تعداد بیش‌تری از افراد دارای درآمد، مشاغل و منابع درآمد خود و تعداد زیادی از کارگران در کارگاه‌های کوچک و کارگران بخش کشاورزی کار خود را از دست دادند. از سوی دیگر به دلیل محدودیت‌های اعمال شده توسط رژیم اشغالگر در واردات کالا به غزه، قیمت کالاهای مصرفی افزایش یافته و برای اقشار کم درآمد، یا فاقد درآمد تنگنا و مضیقه مضاعفی به وجود آمده است. کشاورزی به‌عنوان یک منبع حیاتی برای مردم غزه است، زیرا حدود بیست و هفت درصد جمعیت آن را خانواده‌های کشاورز تشکیل می‌دهند، اما حدود چهل و سه درصد از زمین‌های کشاورزی در منطقه «حفاظت» تحمیل شده از سوی آن رژیم واقع شده‌اند که تا یک کیلومتر از مرز میان غزه و رژیم صهیونیستی به خاک غزه گسترش یافته است. در طول هجده ماه گذشته، نیروهای دفاعی رژیم اشغالگر در این منطقه به‌طور منظم اقدامات نظامی انجام داده‌اند که منجر به تخریب زمین‌ها و محصولات کشاورزی شده است و کشاورزانی هم که در زمین‌های خود در این منطقه کار می‌کنند در معرض خطر بازداشت و یا شلیک گلوله قرار گرفته‌اند. به‌علاوه، محدودیت‌های مقرر در صادرات برخی محصولات کشاورزی، از جمله توت فرنگی و گل‌های تزئینی، تولید آنها را به میزان قابل توجهی کاسته و درآمد کشاورزان نوعاً تا نصف کاهش یافته است.

بنابراین، جنگ اخیر ضربه سنگینی برای کشاورزان غزه بوده، زیرا درختان میوه، درختچه‌های زیتون و قسمت وسیعی از زمین‌های حاصل‌خیز آنها آسیب دیده است و تعداد زیادی از شبکه‌های آبرسانی، چاه‌های آب، انبارها و گلخانه‌ها خسارت دیده یا تخریب شده‌اند و بدیهی است که این

31. *Ibid.* A/HRC/10/NGO/63, 25 February 2009, p.2.

خسارت در محرومیت مردم از حق کار و درآمد و در نتیجه فقیرتر شدن مردم تأثیر خواهد گذاشت.^{۳۲}

گفتار سوم) احقاق حق قربانیان در غزه: تعقیب کیفری ناقضان حقوق بین الملل

مطابق ماده ۲(۳) میثاق حقوق مدنی و سیاسی، هر دولت عضو متعهد می‌شود: «تضمین کند که برای هر شخصی که حقوق و آزادی‌های شناخته شده در این میثاق درباره او نقض شده باشد وسیله مطمئن احقاق حق فراهم بشود». این تعهد دولت‌ها در قبال قربانیان نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در اسناد بین‌المللی مختلفی مطرح شده است.^{۳۳}

احترام و حمایت از احقاق حق قربانیان شامل مراحل است، از جمله ثبت وقایع مربوط به نقض‌های ارتكابی و تحقیق در مورد آنها، تعقیب مظنونین در صورت وجود ادله و مدارک کافی، و جبران خسارت کامل و مؤثر برای قربانیان و خانواده‌های آنها که از طرق اعاده وضع به حالت سابق،^{۳۴} پرداخت غرامت،^{۳۵} ترمیم یا بهبود وضعیت،^{۳۶} رضایت^{۳۷} و تضمین عدم تکرار انجام می‌پذیرد. اصل ۷ از اصول اساسی و راهنمای عمل در مورد حق جبران خسارت و غرامت برای قربانیان نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل بشر و نقض‌های جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه مقرر می‌کند:

«جبران خسارت برای نقض‌های مذکور شامل حق قربانی در موارد زیر است: الف) دسترسی برابر و مؤثر به عدالت؛ ب) جبران خسارت مؤثر و فوری برای خسارات وارده؛ ج) دسترسی به اطلاعات مربوط به نقض‌ها و ساز و کارهای جبران خسارت».^{۳۸}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

32. ICRC, "GAZA: The Struggle to Pick up the Pieces", 26 February 2009, pp. 1-2.

33. ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۶ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض نژادی، ماده ۱۴ کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های خشن، غیرانسانی و تحقیرکننده، ماده ۳۹ کنوانسیون حقوق کودک، ماده ۳۰ کنوانسیون لاهه در مورد حقوق و عرف‌های جنگ زمینی، ماده ۹۱ پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، ماده ۷۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و ماده ۷ منشور افریقایی حقوق بشر و مردم.

34. restitution

35. compensation

36. rehabilitation

37. satisfaction

38. Basic Principles and Guidelines on the Right to Remedy and Reparation for Victims of Gross Violation of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law (Basic Principles on the Right to a Remedy and Reparation), Adopted and proclaimed by UN General Assembly resolution 60/147 of 16 December 2005, UNDOC. A/ RES/ 60/147.

به این ترتیب، در رابطه با نقض‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در جنگ غزه، رژیم صهیونیستی باید تضمین کند که حقایق گفته شود، عدالت نسبت به مرتکبین اجرا و جبران خسارت برای همه قربانیان فراهم گردد.^{۳۹} رژیم اشغالگر نسبت به نقض‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه ملزم به جبران خسارت کامل از افراد مجروح یا خسارت‌دیده در جریان مخاصمه اخیر است.

مبحث اول) اقدامات بین‌المللی در راستای کشف حقایق

انجام تحقیقات معتبر، مستقل و بی‌طرفانه در راستای تعیین موارد نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و احراز مسئولیت‌ها و تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکبین به‌عنوان اولین گام محسوب می‌شود. در تاریخ ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۹ یک گروه حقیقت‌یاب^{۴۰} از سوی شورای حقوق بشر تشکیل شد که مأموریت آن، تحقیق درباره نقض‌های حقوق بین‌الملل ارتكابی توسط نیروهای صهیونیست تعیین گردید.^{۴۱} همچنین در ۱۲ فوریه ۲۰۰۹ نیز یک هیأت تحقیق^{۴۲} توسط دبیرکل ملل متحد با هدف تحقیق درباره حملات علیه پرسنل و اماکن ملل متحد در غزه تشکیل شد.^{۴۳}

الف) تشکیل کمیته حقیقت‌یاب توسط شورای حقوق بشر

به‌موجب قطعنامه ۹/۱- اس شورای حقوق بشر مورخ ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۹ تشکیل کمیته بین‌المللی مستقل حقیقت‌یاب تقاضا شد. این کمیته مأموریت یافت تا درباره «تمام نقض‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه که توسط نیروهای اشغالگر رژیم صهیونیستی علیه مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی انجام گرفته خصوصاً در نوار اشغالی غزه در جنگ اخیر» تحقیق کند و از این رژیم خواسته شد که در جریان تحقیق مانع ایجاد نکرده، نهایت همکاری را با کمیته انجام دهد. همچنین از دبیرکل سازمان ملل متحد و کمیساریای عالی حقوق بشر خواسته شد که برای انجام فوری و مؤثر وظایف کمیته حقیقت‌یاب، مساعدت‌های اجرایی، تکنیکی و فنی لازم را ارائه کنند.^{۴۴}

39. Amnesty International, The Conflict in Gaza, January 2009, pp.28-30.

40. fact- finding mission

41. در آن زمان، نامی از طرف دیگر مخاصمه برده نشد، اما بعدها عفو بین‌الملل از شورای امنیت خواست که اصرار کند تا همه طرفین با کمیسیون حقیقت‌یاب همکاری کنند و به هیچ طرفی نباید اجازه داده شود که تحقیقات را تضعیف کند.

42. The UN Board of Inquiry

43. Amnesty International, Israel and Palestinians Urged to Cooperate with UN Mission, 7 April 2009, available at: <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/pages/crisis-in-gaza-background>.

44. A/HRC/S-9/L.1, 12 January 2009, paras.14-15.

کمیته حقیقت‌یاب در ۳ آوریل ۲۰۰۹ توسط رئیس شورای حقوق بشر برای انجام تحقیق از تمام نقض‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه که در فاصله ۲۷ دسامبر تا ۱۸ ژوئیه ۲۰۰۹ و یا قبل یا بعد از آن ارتکاب یافته‌اند، تشکیل شد. اعضای این کمیته عبارتند از:

۱- ریچارد گلدستون،^{۴۵} عضو سابق دیوان قانون اساسی آفریقای جنوبی و دادستان سابق دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا.

۲- کریستین چینکین،^{۴۶} استاد حقوق بین‌الملل در مدرسه علوم سیاسی و اقتصادی لندن و عضو کمیته عالی حقیقت‌یاب بیت حانون (۲۰۰۸).

۳- هینا جیلانی،^{۴۷} نماینده ویژه دبیرکل در مدافعان حقوق بشر و عضو کمیسیون تحقیق دارفور (۲۰۰۴).

۴- دسموند تراورز،^{۴۸} عضو سابق نیروهای مسلح اتریش و عضو هیأت رئیسه مؤسسه تحقیقات کیفری بین‌المللی.^{۴۹}

ب) اقدامات کمیته حقیقت‌یاب شورای حقوق بشر

اولین جلسه کمیته حقیقت‌یاب در ۴ می ۲۰۰۹ در ژنو برگزار شد. در طول اجلاس یک هفته‌ای کمیته، اعضای آن به ریاست ریچارد گلدستون، ملاقات‌های متعددی با نمایندگان کشورهای عضو ملل متحد، نمایندگی‌های سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی ترتیب دادند و کمیته یک برنامه کاری سه ماهه تعیین کرد که قرار شد در انتها گزارشی به شورای حقوق بشر تقدیم شود. قاضی گلدستون تأکید کرد: «تمرکز ما در انجام تحقیقات، نه مبتنی بر ملاحظات سیاسی، بلکه بر مبنای تجزیه و تحلیل حقیقی و بی‌طرفانه از عملکرد طرفین مخاصمه و میزان تطابق آن با تعهداتشان براساس حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است، خصوصاً در رابطه با مسئولیتی که برای تضمین حمایت از غیر نظامیان و غیرمبارزان بر عهده دارند». همچنین وی اظهار داشت: «ارزیابی حقیقی از مسائل در راستای منافع طرفین، فرهنگ مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی را ارتقا می‌دهد و صلح و امنیت را در منطقه افزایش خواهد داد».^{۵۰}

45. Richard Goldstone

46. Christine Chinkin

47. Hina Jilani

48. Desmond Travers

49. Available at: <http://www2.ohchr.org/english/bodies/rcouncil/pealsession/9/FactFindingMission.htm>

50. www.unhcr.ch/hurricane/hurricane.nsf/view01/BC7C60F307A16D1BC12575

کمیته حقیقت‌یاب در راستای انجام مأموریت خود، بازدیدهای متعددی از مناطق آسیب‌دیده سرزمین فلسطین اشغالی انجام داد که شامل نوار غزه، کرانه باختری و جنوب قلمرو رژیم صهیونیستی می‌شود و همکاری این رژیم را در این خصوص خواستار شده است. اولین مرحله بازدید از ۱ تا ۵ ژوئن انجام گرفت.

شیوه یا روش کمیته حقیقت‌یاب مبتنی بر مقررات حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و استانداردهای بین‌المللی تحقیق است. کمیته، گزارش‌های خود را با اطلاعات ارائه شده توسط سازمان‌ها، مؤسسات و دیگر مراجع در رابطه با وقایع ارتكابی تطبیق می‌دهد. کمیته حقیقت‌یاب در سطح وسیعی با قربانیان، شاهدان عینی، نمایندگان سازمان‌های غیردولتی فلسطین و رژیم صهیونیستی، سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های بین‌المللی، مدافعین حقوق بشر، کارشناسان نظامی، حقوقی، پزشکی و دیگر کارشناسان تخصصی، مقامات دولتی و دیگر منابع معتبر در رابطه با مأموریت خود در داخل یا خارج رژیم صهیونیستی و سرزمین اشغالی فلسطین ملاقات و از آنها تحقیق کرده است.^{۵۱}

ج) برخی اقدامات دیگر

بنا بر ضرورت انجام تحقیقات کامل و مستقل در زمینه نقض‌های ارتكابی در جنگ غزه و اهمیت این امر در امکان انتساب مسئولیت کیفری به مرتکبین جنایات بین‌المللی و محاکمه و مجازات آنها، گروهی از محققین و قضات بین‌المللی (با حمایت عفو بین‌الملل)، سازمان ملل متحد را ملزم به شروع تحقیقات کاملی درباره نقض‌های فاحش حقوق جنگ دانسته‌اند. نامه این گروه با عنوان «حقیقت را درباره جنگ غزه بیابید»^{۵۲} به دبیرکل ملل متحد ارسال شده است. نامه مزبور امضای مری رابینسون (کمیسر عالی سابق حقوق بشر ملل متحد) و قاضی ریچارد گلدستون^{۵۳} (دادستان سابق دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا) را نیز به همراه دارد. امضاکنندگان نامه - که در تحقیقات انجام گرفته درباره جرائم ارتكابی در یوگسلاوی سابق، کوزوو، دارفور، رواندا، سیرالئون، افریقای جنوبی، تیمور شرقی، لبنان و پرو مشارکت داشته‌اند - اظهار کرده‌اند که: «در مورد جرائم ارتكابی در غزه، حیرت زده شده‌اند». آنها از رهبران جهان خواسته‌اند پیام رسا و شفاف‌تری منتشر کنند که «هدف قراردادن غیر نظامیان در طول جنگ از سوی هر عضو جامعه بین‌المللی غیرقابل قبول است».

51. Available at: <http://www2.ohchr.org/english/bodies/hrcouncil/specialsession/9/FactFindingMission.htm>

52. Find the Truth about GAZA War.

53. Richard Goldstone

رئیس عفو بین‌الملل در منطقه خاورمیانه، ملکم اسمارت^{۵۴} هم در زمینه لزوم انجام تحقیقات اظهار داشته: «تحقیقات سازمان ملل متحد در مقایسه با نقض‌های شدید ارتكابی در طول جنگ غزه کافی نیست. صدها غیرنظامی کشته یا مجروح شده‌اند و در این شرایط، حیاتی است که از افرادی که مورد حمله قرار گرفته‌اند به‌طور کامل تحقیق شود، به گونه‌ای که تمام نقض‌های حقوق بین‌الملل ارتكاب یافته را دربرگیرد»^{۵۵}.

بر همین اساس از شورای حقوق بشر خواسته شده که دستورالعمل حقیقت‌یابی را با رویکرد جبران خسارات قربانیان از طریق تعقیب مرتکبان و ناقضان حقوق بشردوستانه و حقوق بشر تنظیم کند و نتایج مستندات به دست آمده از تحقیقات به گونه‌ای جمع‌آوری و ذخیره شود که بتوان از آنها در تعقیب‌های بعدی احتمالی استفاده کرد.^{۵۶}

البته برخی با توجه به نتایج حاصل از تشکیل کمیسیون تحقیق برای جنگ ۳۳ روزه لبنان، چندان به نتایج تحقیقات غزه امیدوار نیستند. به این ترتیب شاید بتوان پیش‌بینی کرد که نتایج مشابهی در خصوص عدم انجام تحقیقات کامل و مستقل و در نتیجه، عدم جبران خسارت قربانیان نقض حقوق بین‌الملل در جریان مخاصمه اخیر غزه نیز به وقوع بپیوندد.^{۵۷} با وجود این، ویلیام شبت، تأکید کرده است: «جامعه بین‌المللی باید همان استانداردی را که در مورد مخاصمات دیگر [از جمله یوگسلاوی سابق و رواندا] اعمال شده و تحقیقاتی را که در مورد نقض‌های حقوق جنگ و حقوق بشر انجام گرفته در مورد غزه نیز اعمال کند»^{۵۸}.

مبحث دوم) نقش حقوق بین‌الملل کیفری در حمایت از حقوق بشر

نظام حقوق بین‌الملل کیفری و نظام حقوق بشر، به هم مرتبط هستند، زیرا هر دو در رابطه با افراد انسانی مقرراتی دارند؛ چنان‌که گفته شده که موقعیت «افراد» به‌عنوان موضوع حقوق بشر و حقوق بین‌الملل کیفری، دو روی یک سکه است. در حقوق بشر به تشریح و تبیین حقوق افراد انسانی پرداخته می‌شود و در دیگری به مسئولیت کیفری در قبال فعل یا ترک فعل‌های منجر به

54. Malcom Smart

55. Amnesty International, UN urged to “find truth” about GAZA conflict, 16 March 2009, available at: <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/pages/crisis-in-gaza-background>.

56. Human Rights Situation in Palestine and Other Occupied Arab Territories, A/HRC/10/NGO/55, 25 February 2009.

57. *Ibid.*

58. Amnesty International, UN urged to “find truth” about GAZA conflict, 16 March 2009, available at: <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/pages/crisis-in-gaza-background>

نقض حقوق مزبور پرداخته شده است.^{۵۹} به بیان دیگر، حمایت از حقوق بشر در مقابل اعمال اختیارات و سوءاستفاده دولت‌ها به‌عنوان یک امر مورد اهتمام جامعه بین‌المللی مطرح است و حقوق بین‌الملل کیفری به تضمین مؤثر این امر می‌پردازد.

تدوین و توسعه این دو شاخه از حقوق، به نتایج پس از جنگ جهانی دوم مرتبط و منبث از آن است. در آن برهه از زمان، رفته رفته این ایده که حقوق بین‌الملل فقط و فقط متوجه دولت‌ها است، کنار گذاشته شد و افراد نیز تا حدودی به‌عنوان موضوع حقوق بین‌الملل مطرح گردیدند. بعد از محاکمات نورمبرگ پذیرفته شد که بخشی از حقوق بین‌الملل مورد قبول در سطح جهانی، از سوی فرد یا دولت غیرقابل انکار یا تخطی است و به علاوه، دادگاه نورمبرگ این ایده را تقویت کرد که حقوق بشر باید در سطح بین‌المللی نیز مورد حمایت قرار گیرد.^{۶۰}

احترام و تضمین حقوق بشر، تعهدی دشوار و سنگین بر عهده دولت‌ها است و نقض حقوق بشر نیز غالباً در قلمرو یک دولت و در رابطه با افراد انسانی توسط دولت متبوع یا غیرمتبوع آنها محقق می‌گردد. در واقع اگرچه دولت‌ها در عمل، خودشان حقوق کیفری را وضع و اجرا می‌کنند، اما این بدان معنا نیست که نقض‌های فاحش حقوق بشر نیز توسط آنها تعقیب و مجازات می‌شود؛ خصوصاً در مواردی که این نقض‌ها مستقیم یا غیرمستقیم توسط خود دولت‌ها محقق می‌گردد. در چنین مواردی، حمایت از حقوق بشر در سطح ملی میسر نیست و بین‌المللی کردن حمایت از حقوق بشر از طریق ساز و کارهای نظارتی بین‌المللی مؤثر، برای پایان دادن به تخلفات دولت‌ها و افراد مرتکب نقض حقوق بشر، اقدامی ضروری خواهد بود و در اینجا است که حقوق بین‌الملل کیفری، در تعارض میان حاکمیت دولت و حمایت از حقوق بشر، به جانبداری از بشریت وارد عمل می‌شود.^{۶۱}

با وجود این، نباید تصور کرد که هر نقض حقوق بشر، حتی اگر نقض جدی باشد، مستقیماً در حقوق بین‌الملل کیفری قابل مجازات است، بلکه فقط بخش اندکی از حقوق بشر بوسیله حقوق بین‌الملل کیفری تضمین شده است. در واقع، جرم‌انگاری مستقیم نقض حقوق بشر در حقوق بین‌الملل، بالاترین سطح حمایت از حقوق بشر است و کاربرد حقوق بین‌الملل کیفری به‌عنوان آخرین حربه در مقابله با نقض‌های گسترده و فاحش حقوق بشر، آن هم در مواردی که سایر ساز و کارهای حمایتی (داخلی و بین‌المللی) موفق نبوده‌اند، مطرح می‌شود.^{۶۲}

59. Werld Gerhard, "Principles Of International Criminal Law", T.M.C Asser Press, Hague, 2005, pp. 39-40.

60. Green-Jan Knoop Alexander, "Theory and Practice of International and Internationalized Criminal Proceedings", Kluwer Law International, Hague, 2005, PP. 15- 16.

61. Gerhard Werld, *op.cit.*, P. 40.

62. *Ibid.*, p.41

بنابراین، ارتباط نزدیک و متقابلی^{۶۳} میان حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق بین‌الملل بشر وجود دارد و حقوق بین‌الملل کیفری با جرم‌انگاری نقض‌های جدی حقوق بشر، تعقیب کیفری مرتکبین آنها را مطالبه می‌کند.^{۶۴} در این صورت گفته شده که در این موارد، یک معاهده حقوق بشری یا حقوق بشردوستانه با حقوق بین‌الملل کیفری تداخل یا همپوشانی دارد.^{۶۵}

برخی از کنوانسیون‌های بین‌المللی که حقوق بشر را تضمین می‌کنند و ناظر بر حقوق بین‌الملل کیفری نیز هستند عبارتند از: کنوانسیون ۱۹۴۸ درباره منع و مجازات نسل‌کشی، کنوانسیون ۱۹۴۶ راجع به کلیه اشکال تبعیض نژادی، کنوانسیون ۱۹۷۳ راجع به جلوگیری و مجازات آپارتاید و کنوانسیون ۱۹۸۴ منع شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های بیرحمانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده.

حقوق بین‌الملل کیفری از جمله ابزارهای حمایت از حقوق بشر شناخته شده و به نقض‌های گسترده حقوق اساسی بشر واکنش نشان داده است. همچنین پاسخی به ناکارآمدی و شکست ساز و کارهای سنتی حمایت از حقوق بشر به حساب می‌آید.^{۶۶}

۶۳. علاوه بر آنچه در رابطه حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق بشر، در خصوص وجود برخی مفاهیم مشترک و جرم‌انگاری نقض‌های شدید حقوق بشر مطرح شد، نمی‌توان از تأثیر حقوق بشر به‌عنوان معیارهای اساسی و لازم در تشکیل و انجام رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی چشم پوشید که از آن با عنوان استانداردهای دادرسی عادلانه یاد می‌شود. رک:

Green-Jan Alexander Knoops, *op. cit.*, p.1

رویه قضائی ICTR، ICTY نیز مؤید این ارتباط متقابل است؛ زیرا در برخی آرای صادره صریحاً به پرونده‌های کنوانسیون‌های حقوق بشری ارجاع داده‌اند. برای مثال در پرونده Furundzija طرفین دعوا و شعبه تجدید نظر به دیوان اروپایی حقوق بشر و خصوصاً رویه آن در مورد ماده ۶ کنوانسیون در مورد دادرسی عادلانه و تعهدات ناشی از آن استناد کرده‌اند. همچنین اساسنامه ICC نیز به‌طور ضمنی، موازین حقوق بین‌الملل بشر را در جاهای مختلفی مورد شناسایی قرار داده است. نمونه آن ماده «ب» (۳) است که مقرر داشته: قضات دیوان باید دارای صلاحیت شناخته شده در زمینه‌های مربوط به حقوق بین‌الملل مانند حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر باشند. رک:

Claire de Than and Edwin Shorts, *International Criminal Law and Human Rights*, Sweet & Maxwell, London, 2003, P. 12.

64. Ferdinandusse Ward, "The Interaction of National and International Approaches in the Repression of International Crimes", *EJIL*, Vol. 15, No. 5, 2004, PP. 1047-1048.

65. Claire de Than and Edwin Shorts, *op. cit.*, P. 13.

۶۶. «نظام گزارش» یکی از شیوه‌های نظارت بر اجرای حقوق بشر است که به نظر برخی کم‌اهمیت و در حد تشریفات اداری تلقی می‌شود و مبتنی بر بررسی، حقیقت‌یابی و برآورد اوضاع و احوال است؛ اگرچه در جلب افکار جامعه بین‌المللی مؤثر است.

در چارچوب سازمان ملل متحد، نقش «گزارشگران ویژه» نیز در سال‌های اخیر به نحو قابل ملاحظه‌ای توسعه یافته است. «نظام شکایت» یکی از مؤثرترین شیوه‌ها برای تضمین حقوق بشر، در سطح داخلی و در سطح بین‌المللی محسوب می‌شود. در سطح بین‌المللی، شکایت‌ها بر دو نوع هستند: شکایت‌های فردی که در واقع ادامه شکایات داخلی هستند و زمانی که در این مرحله نتیجه‌ای حاصل نشده باشد به آن اقدام می‌شود و شکایت‌های بین‌دولتی که طی آن، یک دولت می‌تواند علیه دولت دیگر که ناقض حقوق بشر است شکایتی را مطرح سازد. اما نکته مهم در شیوه‌های مزبور آن است که در همه آنها دولت‌ها به نقض حقوق بشر محکوم می‌شوند.

رک: هریسی نژاد، کمال‌الدین، «تضمینات حقوقی حقوق بشر» از: مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی حقوق بشر، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۶۰-۱۵۸.

بنابراین، حقوق بین‌الملل کیفری با حقوق بین‌الملل بشر قابل مقایسه است؛ زیرا اگرچه این دو شاخه از حقوق بین‌الملل دارای تفاوت‌هایی هستند، اما در محتوا و هدف دارای موضوع یکسانند که آن، حمایت از ارزش‌ها و حقوق بنیادین انسانی است^{۶۷} و در حقوق بین‌الملل کیفری از طریق تعقیب کیفری ناقضین این حقوق دنبال می‌گردد.

الف) شناسایی مسئولیت کیفری فردی برای ناقضین حقوق بشر

در نظام بین‌المللی حاضر، دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های مردم‌نهاد و حقوقدانان بر ضرورت شناسایی مسئولیت افراد به دلیل اقدامات آنها که منجر به نقض جدی‌ترین موازین حقوق بین‌الملل بشر می‌شود، تأکید دارند و اغلب ساز و کاری را توصیه می‌کنند که محاکمه و مجازات این افراد متخلف را در پی داشته باشد. مبنای مشترک این عقیده آن است که نقش حقوق بین‌الملل را فقط منحصر به وضع مقرراتی برای دولت‌ها نمی‌دانند،^{۶۸} بلکه همان‌طور که حقوق بین‌الملل، تعهدات بین‌المللی متعددی را برای حمایت از افراد در نظر می‌گیرد، تعهداتی را از همه افراد می‌خواهد. در واقع در نظام حقوق بین‌الملل، مسئولیت «فرد» نیز به‌طور مستقیم مطرح می‌شود و این مسئولیت فردی، امکان محاکمه و مجازات افرادی را می‌دهد که از قواعد این نظام حقوقی تخلف می‌کنند.^{۶۹}

در حقوق بین‌الملل کیفری، اصولاً مخاطب فرد است، نه دولت و به همین دلیل گفته شده که حقوق بین‌الملل کیفری از مدل سنتی حقوق بین‌الملل فاصله گرفته؛ زیرا مطابق قواعد مسئولیت دولت در حقوق بین‌الملل، آثار و نتایج رفتارهای ناقض حقوق بین‌الملل فقط متوجه دولت‌ها بود و افراد هیچ نقشی نداشتند، درحالی‌که حقوق بین‌الملل کیفری این واقعیت را مبنا قرار داده که هر گونه نقض حقوق بین‌الملل نهایتاً به یک فرد انسانی قابل انتساب است. این تلقی مانع از این می‌شود که فرد تحت لوای حاکمیت دولت از مسئولیت ناشی از تخلف مصون بماند.^{۷۰}

67. Hortensia D.T. Gutierrez Posse, "The relationship between international humanitarian law and the international criminal tribunals", *International Review of the Red Cross*, vol. 88, NO.861, March 2006, p. 70.

68. Steven R. Ratner and Jason S. Abrams, *Accountability For Human Rights Atrocities in International Law*, Oxford University Press, Oxford, 2001, p. 3.

۶۹. ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین، «حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی»، نشر میزان، تهران، چاپ ۲، ۱۳۷۶، ص ۱۸۶.

70. Gerhard Werle, *op.cit.*, pp. 35-36.

پس از تأسیس دادگاه رواندا و دادگاه یوگسلاوی، فرض مسئولیت کیفری فردی با لازم‌الاجرا شدن اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تقویت گردید و سرانجام به‌عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل مورد قبول واقع شد و این در حالی است که تا اندکی قبل، حقوق بین‌الملل فقط به روابط میان دولت‌ها و احراز مسئولیت بین‌المللی آن‌ها در صورت وقوع تخلفات بین‌المللی می‌پرداخت.^{۷۱}

در سال‌های اخیر نیز جریاناتی مانند ارجاع قضیه دارفور سودان به دیوان کیفری بین‌المللی یا محاکمه صدام و میلوسویچ، روزنه جدیدی را در حقوق بین‌الملل گشوده که در آن، سران دولت‌ها برای جرائم ارتکاب یافته در حیطه اختیاراتشان مسئول شناخته می‌شوند و نکته مهم این که اقدامات مزبور، اغلب علیه شهروندان خودشان بوده است. می‌توان گفت این ملاحظات در حقوق بین‌الملل معاصر، مبتنی بر ارتقای جایگاه موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است.^{۷۲}

موازین حقوق بشر که برای حمایت از حیثیت و کرامت انسان‌ها در شرایط و اوضاع و احوال مختلف توسعه یافته، به رغم اینکه در ابتدا دغدغه اصلی آن حمایت از افراد در مقابل دولت متبوع آنها بود، اکنون از افراد در مقابل اقدامات سایر اعضای جامعه بین‌المللی (از جمله دیگر افراد) نیز حمایت می‌کند که ممکن است حقوق آنها را نقض کنند.^{۷۳} بنابراین، مسئولیت کیفری فردی عمدتاً در معاهداتی پیش‌بینی شده که راجع به اعمالی است که نقض حقوق بشر را به دنبال دارد و از جمله در رابطه با نسل‌کشی، تبعیض نژادی، شکنجه و دیگر رفتارهای غیرانسانی و تحقیرکننده موجبات لطمه به مقام و منزلت بشریت را فراهم می‌سازد.^{۷۴}

حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز یکی از زمینه‌های اصلی طرح مسئولیت کیفری فردی در حقوق بین‌الملل است. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، به دلیل حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه، اعمالی را تحت عنوان نقض‌های عمده تعریف کرده و مقرر کرده‌اند که دولت‌های عضو متعهدند نسبت به افراد مرتکب این اعمال یا امر به انجام آنها، تحقیق و آنها را محاکمه کنند و یا در صورت تمایل و وجود برخی شرایط، متهم را مسترد دارند.^{۷۵}

با این حال در این باره که به‌طور دقیق چه اقداماتی موجب مسئولیت کیفری می‌شود بحث‌های فراوانی وجود دارد و این تمایل از سوی حقوقدانان ابراز شده که اغلب نقض‌های جدی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در سطح بین‌المللی جرم انگاری گردد. البته برای تحقق این امر،

71. Hortensia D.T. Gutierrez Posse, *op.cit.*, 69-70.

72. Steven D. Roper and Lilian A. Barria, *op.cit.*, ashgate, London, 2006, p. 1.

73. Steven R. Ratner and Jason S. Abrams, *op.cit.*, p. 11.

74. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، «مسئولیت کیفری بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵ پاییز ۷۳، تابستان ۷۴، ص ۱۸۰.

75. Hortensia D.T. Gutierrez Posse, *op.cit.*, p. 69.

جامعه بین‌المللی باید در مورد شدید بودن چنین تخلفاتی و در مورد شیوه‌های مقتضی برای اعمال آنها به توافق برسد. متأسفانه هنوز دولت‌ها نقض‌های زیادی از حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را به اندازه‌ای وحشیانه و خشن نمی‌دانند که دارای ماهیت کیفری گردند.^{۷۶} در واقع حقوق بین‌الملل کیفری، قدری با احتیاط، فقط اعمالی را مجرمانه قلمداد کرده که حمله یا تجاوز جدی و شدید علیه افراد بشر قلمداد می‌شوند که در این خصوص به جنایاتی نظیر نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی اشاره شده است.^{۷۷} به این ترتیب به نظر می‌رسد نقض‌های ارتكابی از سوی نیروهای رژیم صهیونیستی در جنگ اخیر غزه، زمینه را برای طرح مسئولیت کیفری فردی این افراد فراهم کرده و از جمله مهم‌ترین اقداماتی که شاید بتوان بر اساس آن تعقیب، محاکمه و مجازات سربازان، فرماندهان و مقامات این رژیم را مطالبه کرد عبارتند از:

جرائم جنگی مشتمل بر حملات عامدانه بدون رعایت اصل تفکیک و اصل تناسب، بمباران هوایی مناطق پرجمعیت، کاربرد غیرمشروع مهمات حاوی فسفر سفید و سایر سلاح‌ها در خارج از چارچوب حقوق بشردوستانه، حمله علیه اماکن غیرنظامی مانند بیمارستان‌ها و مدارس و غیره.^{۷۸} علاوه بر این برخی معتقدند حجم وسیع حملات علیه غیرنظامیان و اماکن غیرنظامی ممکن است به مثابه جنایت علیه بشریت باشد و محاصره مردم نوار غزه و محدود یا مسدود شدن مرزهای منتهی به آن، شرایطی را به وجود آورده که ۱/۵ میلیون غیرنظامی ساکن در این منطقه به لحاظ موازین حقوق بشر در وضعیت نامناسب قرار گیرند. این افراد از حقوق اساسی و بنیادین خود از جمله حق حیات، حق برخورداری از شرایط زندگی مناسب، حق کار، حق آزادی رفت و آمد، حق برخورداری از سلامت جسمانی و روحی و حق آموزش محروم شده‌اند^{۷۹} که با توجه به گسترش نقض‌های ارتكابی، امکان تعقیب کیفری مرتکبین در مراجع زیر فراهم خواهد آمد.

ب) اقدام دادگاه‌های داخلی کشورها

مسئولیت کیفری فردی برای اعمال مجرمانه معینی در حقوق بین‌الملل پیش‌بینی شده است. نظام‌های قضایی ملی باید به‌عنوان اولین مرجع برای محاکمه و مجازات افراد مسئول به ارتكاب چنین اعمالی اقدام کنند و دادگاه‌های داخلی به‌عنوان بخشی از وظیفه هر دولت، مسئولیت مهمی

76. Steven R. Ratner and Jason S. Abrams, *op.cit.*, pp. 12-13.

77. *Ibid.*, p. 13.

78. Human Rights Watch, Rain of Fire: *op.cit.*, pp.65-66. Available at: <http://www.hrw.org/en/features/rain-fire-white-phosphorus-gaza>.

79. Human Rights Situation in Palestine and Other Occupied Arab Territories, A/HRC/10/NGO/103, 27 February 2009.

برای آغاز این تعقیب‌ها دارند. در این صورت این انتظار از رژیم صهیونیستی وجود دارد که در راستای تعقیب، محاکمه و مجازات ناقضین حقوق بین‌الملل در جنگ اخیر غزه اقدام کند. البته از آنجایی که معمولاً دولت‌ها خود در ارتکاب نقض‌های شدید و گسترده حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به نحوی مشارکت دارند، رویه دولت‌ها در رسیدگی و اعمال صلاحیت بر این‌گونه نقض‌های حقوق بین‌الملل و نیز برخی موانع حقوقی و سیاسی موجود در این زمینه قابل تأمل است. با وجود این، در سال‌های اخیر، بحث امکان محاکمه مرتکبین این جنایات توسط دادگاه‌های ملی دولت‌های ثالث (که هیچ رابطه‌ای از حیث قلمرو ارتکاب جرم و یا تابعیت مجرم و مجنی‌علیه ندارند) از جمله موضوعاتی است که از سوی برخی دولت‌ها مورد استقبال قرار گرفته است.^{۸۰}

به این ترتیب، هر دولت نسبت به جرائمی صلاحیت رسیدگی و تعقیب یافته که صدمه به جامعه بین‌المللی یا ارزش‌های مورد حمایت بین‌المللی محسوب می‌گردند که از آن با عنوان «صلاحیت جهانی» یاد می‌شود. با دقت در مصادیق بارز صلاحیت جهانی می‌توان دریافت که ارزش‌های حقوق بشری یکی از معیارهای مهم این صلاحیت است. از این رو، هنگامی که این ارزش‌ها (در زمان مخاصمه یا صلح) نقض شود صلاحیت جهانی موضوعیت می‌یابد. در واقع، جنایات موضوع این صلاحیت، جنایاتی هستند که تنها به منافع یک دولت صدمه نمی‌زنند، بلکه وجدان جهانی را جریحه‌دار می‌کنند.^{۸۱}

تعقیب، محاکمه و مجازات ناقضین حقوق بشر به‌عنوان یکی از راه‌های مؤثر حمایت و تضمین حقوق بشر، مورد توجه نهادهای حقوق بشری قرار گرفته و این را برخی به‌عنوان مبنای اعمال اصل صلاحیت جهانی در رابطه با نقض‌های گسترده حقوق بشر مد نظر قرار داده‌اند.^{۸۲} در جنگ اخیر غزه با توجه به عمق فجایع غیرانسانی و ارتکاب نقض‌های شدید حقوق بین‌الملل تعهد سایر دولت‌ها طبق کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو^{۸۳} و سایر معاهدات بین‌المللی از جمله کنوانسیون منع شکنجه در تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکبین جنایات جنگی و یا استرداد آنها به

80. Steven R. Ratner and Jason S. Abrams, *op.cit.*, p. 160. also see: Gerhard Werle, *op.cit.*, pp. 58- 59.

۸۱. جمشید ممتاز و امیرحسین رنجبریان، همان، ص ۲۰۱-۲۰۰.

۸۲. از جمله دیوان امریکایی حقوق بشر در رأی ۲۹ جولای ۱۹۹۸ مقرر کرد: «هر دولت دارای این تعهد حقوقی است که از نقض‌های حقوق بشر جلوگیری کند، به‌طور جدی موارد نقض این چنینی را مورد تحقیق قرار دهد، افراد مسئول را شناسایی کند، مجازات‌های مناسب اعمال کند و جبران خسارت مناسب برای قربانیان را تضمین کند». دیوان امریکایی حقوق بشر با این رأی، تعهد تعقیب برای نقض‌های جدی حقوق اساسی بشر را برای دولت‌ها ایجاد کرد. دیوان اروپایی حقوق بشر و کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز تعقیب کیفری را از تعهد دولت‌ها برای تضمین حقوق بشر و حمایت حقوقی مؤثر از آن (duty to ensure or guarantee) اتخاذ کرده‌اند. رک.

Gerhard Werle, *op.cit.*, pp. 62- 63.

۸۳. ماده ۱۴۶ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹.

دولت دیگر از اهمیت بالایی برخوردار است و در راستای حمایت از قربانیان این محاصمه، اقدام مؤثری به شمار می‌رود. در واقع، اگرچه رژیم صهیونیستی در وهله نخست، مسئولیت حمایت از کلیه افراد تحت صلاحیت و تحت کنترل خود را در قبال جنایات بین‌المللی برعهده دارد، لکن در صورتی که توان یا تمایل حمایت از این افراد را نداشته باشد، دولت‌های دیگر در قبال حمایت از غیرنظامیان غزه مسئولیت خواهند داشت^{۸۴} که با اعمال اصل صلاحیت جهانی در مورد مقامات صهیونیستی مسئول در ارتکاب این جنایات محقق خواهد شد. اکنون با تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی، جایگاه اصلی صلاحیت جهانی دادگاه‌های ملی در مقابله با نقض‌های شدید حقوق بشر و حقوق بشردوستانه از جمله مباحث مهمی است که به نظر می‌رسد اظهارنظر قطعی درباره آن منوط به عملکرد دیوان در سال‌های آینده خواهد بود.

ج) تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه

جامعه بین‌المللی در پی درگیری‌های اخیر، خصوصاً در یوگسلاوی سابق و رواندا، بر پایان دادن به فرهنگ بی‌کیفری تأکید کرده و پذیرفته است که نقض‌های گسترده و شدید حقوق بشر به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در نظم حقوقی بین‌المللی نباید بدون مجازات بمانند.^{۸۵} بر مبنای همین ملاحظه، شورای امنیت فقط استفاده از نیرو برای کمک‌های بشردوستانه را کافی ندانست، بلکه در دهه ۱۹۹۰ درصد تأسیس دو دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه برای یوگسلاوی سابق و روندا برآمد و بدین وسیله فراتر از اقدامات نظامی صرف، مقرر کرد که با رسیدگی به نقض‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در مراجع قضایی به اعاده و حمایت از صلح کمک شود. تشکیل دادگاه‌های کیفری ویژه برای تعقیب، محاکمه و مجازات جنایتکاران بین‌المللی از جمله اقدامات مهم جامعه بین‌المللی در مقابله با نقض‌های شدید حقوق بشر و حقوق بشردوستانه قلمداد می‌شود. در کشورهای دیگری مانند سیرالئون، کامبوج و تیمور شرقی نیز رسیدگی دادگاه‌های

84. Human Rights Situation in Palestine and Other Occupied Arab Territories, Report of the Secretary-General, Follow-up on the Implementation of the Recommendations Contained in the Report of the High Level Fact-Finding Mission to Beil Hanoun Established Under Human Rights Council Resolution S-3/1, A/HRC/10/27, 6 March 2009.

۸۵. تلاش برای جستجو و نمایاندن شیوه‌هایی که راه‌گرایز ناقضان حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بشردوستانه را ببندد، از چندین سال پیش در دستور کار کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد قرار گرفت. گزارش‌های ارائه شده و مصوبات و قطعنامه‌های کمیسیون در این زمینه، راهنمای مناسبی برای نحوه مبارزه با بی‌کیفری جنایتکاران بین‌المللی در سطح ملی و بین‌المللی است و کثرت این تصمیمات و قطعنامه‌ها و وقتی که کمیسیون حقوق بشر مصروف این موضوع کرده است، خود مؤید اهمیت و ضرورت تقویت ضمانت اجرای کیفری نظام بین‌المللی حقوق بشر است. رک. جمشید ممتاز و امیرحسین رنجبریان، همان، ص ۲۸۳-۲۸۲.

Also see: E/ CN. 4/ Sub. 2/ 1997/ 20/ Rev. 1, 2 October 1997; E/ CN. 4/ 2001/ 88; E/ CN. 4/ RES/ 2001/ 70, 25 April 2001; E/ CN. 4/ RES/ 2004/ 72, 21 April 2004.

کیفری ویژه مطرح است که البته هر یک شرایط خاص خود را دارد. تشکیل دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ویژه، با تمام معایب و محاسنی که برای آنها شمرده شده است، بدون تردید عامل مؤثری در تحول حقوق بین‌الملل کیفری و گامی مهم به سوی تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی محسوب می‌گردد. پیشنهاد تأسیس این دادگاه برای رسیدگی به جنایات ارتكابی در غزه نیز از سوی برخی سازمان‌های غیردولتی مطرح شده که براساس آن از سازمان ملل^{۸۶} خواسته‌اند که به‌طور جدی تشکیل چنین دادگاهی را برای رژیم صهیونیستی^{۸۷} در دستور کار خود قرار دهد و دادگاه مزبور موظف به تحقیق و تعقیب در خصوص افرادی باشد که متهم به ارتكاب جنایات بین‌المللی علیه مردم فلسطین هستند.^{۸۸}

د) رسیدگی دیوان کیفری بین‌المللی

تجربه هر دو دادگاه یوگسلاوی سابق و رواندا، ضرورت ایجاد یک دیوان دائمی را بیش از پیش به جامعه بین‌المللی نمایاند. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در کنفرانس رم نهایی شد و به امضا رسید^{۸۹} و از اول ژوئیه ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا گردید. تأسیس دیوان حکایت از آن دارد که جامعه بین‌المللی شأن و منزلت یک رژیم بین‌المللی دائمی را به رسمیت شناخته است. البته کارآمدی دیوان بسته به آن است که این امر حقیقتاً و در عمل از سوی اعضای جامعه بین‌المللی پذیرفته شود، زیرا با وجود اینکه حقوق بشر در قرن بیست و یکم قلمروی جهانی یافته، اما واقعیت‌ها، دنیایی را به تصویر نمی‌کشند که در آن، حقوق بشر رعایت می‌شود. وظیفه جامعه بین‌المللی است که به سوی دنیایی قدم بردارد که در آن، احترام به حقوق اساسی و بنیادین بشر متجلی باشد.^{۹۰}

صلاحیت دیوان به جنایت نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و تجاوز محدود شده است. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، به‌طور خاص تأثیری بدیع بر قلمرو اصول کلی حقوق کیفری بین‌المللی دارد و برای اولین بار چنین مقررات کلی و جامعی در این حیطه مدون گشته که قطعاً تأثیر زیادی بر نظام‌های قضایی ملی بر جای خواهد گذارد.

۸۶. این درخواست از مجمع عمومی سازمان ملل شده است که جهت تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی برای رژیم صهیونیستی به‌عنوان یک نهاد فرعی بر طبق ماده ۲۲ منشور ملل متحد اقدام کند.

87. International Criminal Tribunal for Israel (ICTI)

88. Human Rights Situation in Palestine and Other Occupied Arab Territories, A/HRC/10/NGO/101, 27 February 2009, p.4.

۸۹. سازمان ملل از ۱۶ ژوئن تا ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸، کنفرانسی برای تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در رم تشکیل داد. بیش از ۱۶۰ نماینده کشور، ۱۷ سازمان بین‌المللی و بیش از ۲۵۰ سازمان مردم‌نهاد در این کنفرانس حضور داشتند.

۹۰. ربکا والاس، همان، ص ۲۷۸.

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اساسنامه رم، ارائه فهرست نسبتاً جامعی از مصادیق جنایات بین‌المللی و تعریف برخی از آنها است که تا حد زیادی متأثر از جریان رو به رشد و توسعه نظام حقوق بین‌الملل بشر است.

رابطه نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی با نقض حقوق بشر و تلاش برای نمایاندن چهره ضد بشری جنایات بین‌المللی از مسائلی است که نظام حقوق بین‌الملل بشر و نظام حقوق بین‌الملل کیفری را بیش از پیش به یکدیگر نزدیک کرده است. در واقع، امروز تعریف یک جنایت بین‌المللی چندان دور از موارد نقض حقوق اساسی و بنیادین بشر به نظر نمی‌رسد، اگر چه احراز این امر مستلزم بررسی دقیق هر یک از جنایات بین‌المللی و مقایسه آنها با موازین حقوق بشر است.

رژیم صهیونیستی اساسنامه رم را هنوز تصویب نکرده، اما امکان تعقیب نیروهای این رژیم در دیوان منتفی نیست. تأثیر اساسنامه رم بر دولت‌های غیرعضو و اتباع آنها از مسائلی است که همواره نگرانی و مخالفت دولت‌های غیرعضو را به دنبال داشته است تا آنجا که برخی دولت‌ها از جمله ایالات متحده آمریکا برای ممانعت از اعمال صلاحیت دیوان بر اتباعشان اقدامات مهمی انجام داده‌اند.

مطابق اساسنامه، دیوان در سه حالت دارای صلاحیت بر اتباع دولت‌های غیرعضو است:

۱. ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت،
۲. ارتکاب جنایتی توسط اتباع این دولت‌ها در قلمرو یک دولت عضو،
۳. اعلام رضایت دولت غیرعضو برای اعمال صلاحیت بر اتباعش.

در دو حالت نخست، رضایت دولت ثالث، پیش شرط اعمال صلاحیت دیوان نیست. البته باید در نظر داشت که اعمال صلاحیت دیوان بر اتباع دولت‌های غیرعضو در این شرایط، تأثیری بر مسئولیت دولت‌های مزبور ندارد^{۹۱} و موجد تعهداتی برای آنها نخواهد بود.^{۹۲} به این ترتیب از دو راه امکان اعمال صلاحیت دیوان بر جنایات ارتكابی در غزه پیش‌بینی می‌شود: اول، صدور اعلامیه‌ای مطابق ماده (۳) ۱۲ اساسنامه توسط رژیم صهیونیستی و دولت خودگردان فلسطین که به موجب آن، صلاحیت دیوان را نسبت به جنایات مربوط به جنگ اخیر غزه بپذیرند. دوم، ارجاع وضعیت غزه مطابق بند ب ماده ۱۳ اساسنامه رم توسط شورای امنیت به دادستان، همان‌طور که در قضیه دارفور سودان محقق گردید.

۹۱. ماده (۴) ۲۵ اساسنامه: «هیچ‌کدام از مقررات مربوط به مسئولیت کیفری افراد که در این اساسنامه آمده است تأثیری بر مسئولیت دولت‌ها مطابق حقوق بین‌الملل نخواهد داشت».

92. Ademola Abass, *op.cit.*, pp. 376-377.

راهکار اول با توجه به تلاش‌های رژیم صهیونیستی برای حمایت از نیروهای خود که در قبال ارتکاب جرائم جنگی در غزه مسئول هستند^{۹۳} و نیز با در نظر گرفتن سیاست‌های کلی آن طی سال‌های متمادی از سوی رژیم صهیونیستی عملی به نظر نمی‌رسد، اما در ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۹ وزیر دادگستری حکومت خودگردان فلسطین با دادستان دیوان کیفری بین‌المللی ملاقات و از طرف این دولت اعلامیه‌ای را مطابق ماده (۳) ۱۲ اساسنامه رم تقدیم داشت. دبیرخانه دیوان نیز این اعلامیه را تأیید کرد. در ۱۳ فوریه ۲۰۰۹ نیز وزیر امور خارجه و وزیر دادگستری حکومت خودگردان فلسطین با دادستان ملاقات و اسناد و اطلاعاتی را به وی ارائه کردند. بنا بر گزارش دیوان از ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ تا فوریه ۲۰۰۹ حدود ۳۲۶ شکایت از سوی افراد و سازمان‌های غیردولتی بر طبق ماده ۱۵ اساسنامه رم در مورد فلسطین مطرح شده که دیوان بررسی خواهد کرد آیا جرائم ادعا شده در شکایات، مشمول جنایات موضوع صلاحیت دیوان می‌شود یا خیر و جریان رسیدگی دادستان به این مسئله نیز نظیر سایر موارد مطرح از جمله ونزوئلا، عراق، افغانستان، گرجستان و کلمبیا خواهد بود. در هر حال، مباحث پیچیده‌ای برای احراز صلاحیت دیوان وجود دارد که دیوان مطابق با اساسنامه رم اقدام خواهد کرد.^{۹۴}

در رابطه با راهکار دوم، یعنی ارجاع وضعیت توسط شورای امنیت، در وهله اول باید شورای امنیت به‌عنوان اصلی‌ترین رکن حافظ صلح و امنیت بین‌المللی، موضوع غزه را براساس فصل هفتم منشور ملل متحد، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد و بر همین اساس وضعیت آن را به دیوان ارجاع کند که عدم عضویت رژیم صهیونیستی در دیوان هم مانعی محسوب نخواهد شد. در مرحله بعد، دیوان به‌عنوان یک نهاد قضایی مستقل، تشخیص نهایی را بر عهده دارد و در مورد تعقیب، محاکمه و مجازات متهمین به ارتکاب جنایات بین‌المللی در غزه تصمیم خواهد گرفت.

نتیجه

اهمیت موازین حقوق بشر در دهه‌های اخیر، ضرورت واکنش مؤثر جامعه بین‌المللی را در صورت نقض این حقوق توجیه می‌کند؛ چرا که امروز تعبیر جایگاه تعهدات دولت‌ها در احترام و تضمین حقوق اساسی بشر، امری غیرقابل انکار است. گفتنی است که تعهدات مزبور نه فقط مبتنی بر اسناد و معاهدات حقوق بشری، بلکه در زمره تعهدات حقوق بین‌الملل عرفی قلمداد می‌گردد و

93. Human Rights Situation in Palestine and Other Occupied Arab Territories, A/HRC/10/NGO/78, 26 February 2009.

94. Available at: <http://www.icc-cpi.int/Menus+ICC/Structure+of+the+Court/Office+of+the+Prosecutor/Comm+and+Ref/Palestine>

دولت ناقض این حقوق به نحوی پاسخگو به کل جامعه بین‌المللی شناخته می‌شود. به این ترتیب در شرایط کنونی که حقوق بشر، تجلی بارز مهم‌ترین ارزش‌های انسانی مشترک در نظام بین‌المللی است، و با توجه به عمق فجایع ارتكابی در غزه، انجام تحقیقات مستقل و بی‌طرفانه از سوی مراجع بین‌المللی و احراز موارد نقض حقوق بشر، حداقل انتظار جامعه بین‌المللی برای اجرای عدالت در مورد قربانیان جنگ ۲۲ روزه غزه است.

همچنین نزدیک شدن دو نظام حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بیش از پیش با توجه به هدف مشترک آنها، یعنی حمایت از افراد انسانی در همه شرایط و اوضاع و احوال، مسئله مهمی است. این مسئله در گزارش‌های نهادهای حقوق بشری مذکور و نیز گزارش‌های کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بیان شده و امروز معیار کلیدی در تحلیل مشروع یا نامشروع دانستن اقدام طرفین محاصمه، حقوق و ارزش‌های انسانی و در رأس آنها احترام به حق حیات انسان‌ها و تمامیت جسمانی و روانی آنها تلقی می‌گردد، حتی اگر نتیجه عملی از این ارزیابی حاصل نشود. اکنون مسئله اجرای عدالت در قبال مرتکبین نقض‌های جدی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و احقاق حق قربانیان، مهم‌ترین اقدام قلمداد می‌شود و اینکه از میان مراجع موجود (دادگاه‌های ملی و دیوان کیفری بین‌المللی) کدامیک در امر تعقیب کیفری جنایتکاران بین‌المللی در غزه پیشقدم خواهد شد خود یک سؤال مهم است. چنانکه بنا به اظهارات دبیرکل عفو بین‌الملل: «صلح و امنیت پایدار در منطقه خاورمیانه برقرار نمی‌شود، مگر اینکه مطابق حقوق بین‌الملل، مسئولیت در قبال ارتكاب جرائم تثبیت شود و چرخه بی‌کیفری برای نقض‌های جدی ارتكاب یافته توسط طرفین پایان پذیرد».

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی